



علامه طباطبایی به هرچه غیر از حقیقت بی‌اعتنا بود

استاد حوزه و دانشگاه با اشاره به روحیات علمی علامه طباطبایی گفت: ویژگی اساسی علامه این است که به حقیقت احترام می‌گذارند ...

استاد حوزه و دانشگاه با اشاره به روحیات علمی علامه طباطبایی گفت: ویژگی اساسی علامه این است که به حقیقت احترام می‌گذارند و پروای حقیقت دارند. ایشان دغدغه مواجهه با حقیقت داشتند و به چیزی که حقیقت نباشد ولو با اسم‌های بسیار مقدس تزیین شده باشد دل نمی‌بندد و با آن سیراب نمی‌شود.

علامه سیدمحمدحسین طباطبایی از یگانه افراد تأثیرگذار تاریخ معاصر ایران و جهان اسلام است. علاوه بر تفسیر گرانسنگ «المیزان» آثار دیگری از این عارف و فیلسوف بزرگ به جا مانده که هر کدام نیازمند شرح و تفسیر است. یکی از ویژگی‌های علامه طباطبایی گشودگی و غیر پذیرگی ایشان بود به نحوی که از هر فرصت برای ارتباط با دیگر اندیشمندان و دانشمندان استفاده می‌کرد تا علم خود را به روز و کامل‌تر کند و قدمی به حقیقت نزدیک‌تر شود. معروف است که علامه طباطبایی جلساتی در تهران داشتند که افرادی مانند هانری کربن، آیت‌الله سید جلال‌الدین آشتیانی، آیت‌الله سیدمحمدکاظم عصار، شهیدمرتضی مطهری، دکتر سیدحسین نصر، دکتر داریوش شایگان، دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی و... در آن حاضر می‌شدند و به بحث و گفت‌وگو می‌پرداختند و علامه اهتمام و اصرار زیادی به برپایی این جلسه داشت.

به تازگی کتابی با عنوان «دست‌نوشته‌ها» که یادداشت‌های این جلسات خصوصی است و به کوشش مرحوم سیداحمد ذوالمجد نوشته و ضبط شده با همت تلاش چند ساله حجت‌الاسلام احسان کرمانشاهانی؛ پژوهشگر و استاد حوزه و دانشگاه از سوی انتشارات «ذکرا» وارد بازار نشر شده است. این اتفاق بهانه‌ای شد تا خبرنگار ایکنامقارن با هفته‌پژوهش درباره این کتاب گفت‌وگویی با این محقق انجام دهد که در ادامه مشروح این گفت‌وگو را می‌خوانیم:

ایکنام _ دست‌نوشته‌های جلسات خصوصی علامه طباطبایی چگونه به دست شما رسیدند و چطور تاکنون منتشر نشده بودند؟
تقریباً تمامی این مجموعه، یادداشت‌های مرحوم سید احمد ذوالمجد است. مرحوم ذوالمجد تا دهه هفتاد در قید حیات بود و خود تصمیم به تنظیم این مجموعه داشت ولی موفق نشد. این دست‌نوشته‌ها پس از ایشان نزد فرزندشان بود که مقدمه‌ای هم بر کتاب نوشته‌اند. وی این مجموعه را به بعضی از مشاهیر سپرد تا به تنظیم و تحقیق آن بپردازند ولی نه تنها این امر محقق نشد بلکه متأسفانه بخشی از مجموعه مفقود شد تا اینکه مجموعه را پس از پیگیری بسیار، پس گرفته و به جناب آقای محمدحسین قدوسی (نوه ارشد علامه طباطبایی و فرزند شهید قدوسی) می‌سپارند. ایشان از کل مجموعه عکسبرداری کرده و در اختیار ما گذاشتند.

ایکنام _ درباره مراحل استخراج، تصحیح، تدوین و مشکلات این کار بفرمایید.
بخشی از یادداشت‌ها توسط منشی آقای ذوالمجد تایپ شده بود ولی به دلیل اینکه نتوانسته‌اند نسخه را درست بخوانند، اغلاط و جا افتادگی‌های بسیاری داشت. بخش زیادی از یادداشت‌ها نیز به صورت مخطوط مانده بود. عکس چند صفحه از آنها در کتاب آمده است. در موارد زیادی یادداشت مربوط به قسمتی از جلسه گم شده است و نیز در مواردی در اثر آب خوردگی یا کهنگی قسمتی از یک برگه از بین رفته و یا محو شده است و گاهی هم مطالب یک جلسه با جلسه دیگر آمیخته شده است. لذا مجموعه فاقد نظم اولیه بوده است. یافتن ارتباط میان اوراق پراکنده و کنار هم آوردن مطالب مربوط به یک جلسه مرحله اول کار بود. استخراج فهرستی از موضوعات مطرح شده در هر جلسه نیز مرحله مهمی از کار بود.

گرچه خط مرحوم ذوالمجد مانند بسیاری از اهالی فرهنگ در نسل سابق، زیبا و چشم‌نواز است ولی با توجه به صدمات وارده به مجموعه و بعضاً عجله در کتابت، خواندن آن دشوار است که این مرحله زمان بسیاری به خود اختصاص داد. در مرحله تحقیق تصمیم گرفتیم که کار را با ارجاع به تمامی آثار علامه طباطبایی تکمیل و استفاده از آنها را دو چندان کنیم. همچنین مستندسازی و یادداشت‌های تکمیلی دقت بسیاری لازم داشت و کار طولانی شد تا جایی که بعضی از عزیزان از انتشار کتاب ناامید شده و ما را متهم به سست کاری و تسویف کردند؛ ولی بنده و دوستانم سعی خود را در اتقان کار کردیم اگرچه کار از نواقص خالی نیست.

علامه طباطبایی؛ اندیشمندی که به فطرت انسان اهمیت می‌داد/// بیان جامع دیدگاه تمام آثار علامه طباطبایی با کتاب «دست‌نوشته‌ها»

ایکنا _ خانواده ذوالمجد و خانواده علامه چقدر همراه بودند و در تدوین کتاب چه نقشی داشتند؟
فرزند مرحوم ذوالمجد، مهندس محمد ذوالمجد همکاری بسیار خوبی در تدوین کتاب داشتند و تا جایی که می توانستند برگه ها را تهیه کردند و در اختیار ما گذاشتند. از خانواده مرحوم علامه هم پسران آقای قدوسی زحمت بسیاری کشیدند تا ما بتوانیم این عکس ها را تهیه کنیم تا بر اساس عکس هایی که از نسخ گرفته شده است کتاب آماده شود.
ایکنا _ درباره این جلسات برخی از حاضران و شاگردان علامه مطالبی گفته اند ولی مرحوم ذوالمجد که بود و چگونه علامه به منزل ایشان راه یافت و آن جلسات برپا شد؟

مرحوم ذوالمجد وکیل دادگستری بود البته در ابتدا قاضی بود اما به دلیل وضعیتی که در دوران طاغوت وجود داشت ایشان با زحمت و تلاش فراوان شغل خود را تغییر داد و وکیل شد. ایشان شخصیت بسیار ویژه ای بود؛ ما چنین شخصیت هایی در بین افراد فرهنگی جامعه داریم که به صورت رسمی در جایگاه های علمی حضور ندارند اما بسیار به مطالعه و مباحث علمی علاقمند هستند و آنها را پیگیری می کنند؛ آقای ذوالمجد یکی از این افراد بود که به مباحث علمی، دینی، فلسفی و عرفانی علاقمند بوده است.

مرحوم ذوالمجد قبل از آقای علامه با آقای الهی قمشه ای و آیت الله عصار مرتبط بود و از آن طریق مباحث را پیگیری می کرد سپس با مرحوم علامه ارتباط پیدا می کنند که پس از شناخت ایشان علاقه بسیاری به علامه پیدا می کنند و ادامه مطالعات مباحث را از طریق علامه پیگیری می کنند.

بین مرحوم ذوالمجد و مرحوم علامه طباطبایی رابطه بسیار عاطفی برقرار می شود و مرحوم علامه ایشان را بسیار دوست می داشتند و آقای ذوالمجد هم ارادت بسیاری نسبت به علامه داشتند تا حدی که گاهی ایشان یک هفته در میان برای علامه به قم ماشین می فرستادند تا علامه را برای برگزاری جلسات به تهران بیاورد و گاهی هم علامه خودشان با وسایل نقلیه آن زمان برای برگزاری جلسه به تهران تشریف می آوردند. این جلسات در منزل آقای ذوالمجد برگزار می شد و مرحوم علامه اعتماد بسیار زیادی به ایشان داشتند و فقط به منزل مرحوم آقای ذوالمجد می رفتند.

یکسری از این جلسات شب های جمعه و سری دیگری از جلسات در صبح جمعه برگزار می شد. هنگام برگزاری جلسات مرحوم آقای ذوالمجد دستور می دادند که رفت و آمدها کمتر شود و هر کسی وارد منزل نشود تا فضا برای اینکه مرحوم علامه مباحث را مطرح کنند مهیا باشد.

ایکنا _ عموماً چه افرادی در این جلسات شرکت می کردند؟ یعنی از چه طیفی بودند؟ چون ظاهراً اکثر افراد نسبتی با حوزه نداشتند و چگونه گرد علامه طباطبایی جمع شده بودند.
افرادی که در اینگونه جلسات شرکت می کردند طیف گسترده ای از افراد اهل علم و فضل در شهر تهران بودند؛ مانند آیت الله شهید مطهری، استاد آشتیانی، دکتر مفتاح، داماد علامه طباطبایی، فضلالی دانشگاهی و بعضاً دوستان نزدیک مرحوم آقای ذوالمجد هم در این جلسات شرکت می کردند.

برخی از این افراد به دلیل دوستی شان با آقای ذوالمجد به این جلسه دعوت می شدند و در آن شرکت می کردند و برخی نیز به دلیل ارتباطشان با علامه طباطبایی از جلسه مطلع می شدند و تصمیم می گرفتند در این جلسات شرکت کنند؛ مانند آقای دینانی و شهید مطهری و برخی نیز مانند آقای حداد عادل به واسطه شهید مطهری در این جلسات شرکت می کردند.

مرحوم آیت الله عصار در این میان نیز نقش بسیار خوبی ایفا می کردند و برخی از حاضرین در جلسه را معرفی می کردند؛ مثل دکتر نصر؛ و دکتر شایگان و هانری کرین نیز توسط دکتر نصر به این جلسات دعوت می شوند؛ البته هانری کرین شش ماه از سال در ایران بود اما در این شش ماه در جلسات شرکت می کرد.

ایکنا _ اشتیاق علامه برای ادامه این جلسات از چه بابتی بود و چرا بعد از مدتی جلسات تعطیل شدند؟
از جهات مختلف می توان علت اشتیاق علامه به این جلسات را بررسی کرد؛ نکته اول اینکه آنگونه که آقای دینانی مطرح می کنند علامه اشتیاق داشتند تا افکار مطرح در جهان را بشناسند و تقریباً تنها راه برای مواجه شدن با اندیشه های موجود در جهان از راه حضور در تهران و تعامل با اساتید مختلف در رشته های مختلف علوم انسانی بود که در این جلسات حاضر می شدند.

نکته دیگر اینکه مرحوم علامه حیطه های تخصصی بسیار مختلفی داشتند که امکان ظهور و بروز همه این حیطه ها در حوزه های علمیه وجود نداشت؛ مثل مباحثی که درباره شعر و ادبیات یا عرفان ناظر به شعر و ادبیات و معارفی که در غزلیات حافظ و مثنوی قابل طرح است. همچنین بعضی مباحث دیگری که ناظر به ادیان مختلف است و به دین شناسی تطبیقی می پردازد که در کتاب هم ذکر شده است. این ها مسائلی است که در حوزه های علمیه طرح نمی شود و جایی برای طرح آن وجود ندارد اما در جلسات تهران مطرح و به آن توجه می شد.

موضوع دیگر مطالعات تطبیقی بین غرب و شرق یا حوزه های مختلف علوم انسانی و فرهنگی است که در آن جلسات رخ می

داد.

نکته چهارم که می‌توانیم آن را دلیل اشتیاق علامه به این جلسات بدانیم این است که علامه طباطبایی در آن جلسات با افرادی مواجه می‌شدند که از نسل جدید بودند و می‌توانستند رسانه‌ای برای انتقال افکار علامه به شرق و غرب و جهان اسلام باشند و متن جامعه را با افکار ایشان آشنا کنند. یک ویژگی که این افراد داشتند این بود که از صنف‌های مختلف علمی بودند و مقید به اصطلاحات و مفاهیم شکل گرفته در حوزه علوم سنتی نبودند و می‌توانستند بدون تقید به آن اصطلاحات و مفاهیم، مباحث را بعضاً از دریچه و زاویه دیگری هم مشاهده کنند.

علاوه بر این مرحوم آقای ذوالمجد از کسانی بود که علامه به او علاقه شخصی داشت؛ بنابراین اگر همه این مواردی که عرض شد را کنار هم بگذاریم متوجه می‌شویم که چرا علامه طباطبایی برخی از مباحث را در متن حوزه علمیه مطرح نمی‌فرمودند ولی در فضای دیگری که زمینه برای طرح این اندیشه‌ها فراهم بود مطرح می‌کردند.

در رابطه با علت تعطیل شدن این جلسات باید گفت که این جلسات تقریباً نزدیک به ۲۰ سال تا حدود سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ ادامه داشته است؛ حتی احتمال این هم وجود دارد که یک جلسه در سال ۱۳۵۸ برگزار شده باشد. اتفاقی که در سال‌های پایانی افتاد این بود که به دلیل تحولات اجتماعی که در تهران یا قم به جهت انقلاب اسلامی رخ داد، کمی اوضاع به هم خورد؛ مثلاً گاهی کربن حضور نیافته است یا برخی از افراد حاضر در جلسه به خارج از ایران رفتند یا وضعیت مساعد نبوده است تا نقل و انتقال اتفاق بیفتند.

علاوه بر این موارد، سال‌های پایانی عمر مبارک علامه طباطبایی هم بوده است و ایشان تقریباً در دوران کهنسالی بودند؛ بنابراین ما به این نتیجه می‌رسیم که دیگر جلسات برقرار نمی‌شود نه اینکه اتفاق خاصی به طور ویژه متوجه جلسات شده باشد و کسانی از برگزار کردن جلسات ممانعت کرده باشند. این موضوعی است که اگر هم اتفاق افتاده باشد بنده به آن علم ندارم و همین اتفاقات اجتماعی و سالخوردگی علامه را عاملی برای پایان یافتن این جلسات می‌دانم.

ایکنا _ محتوای کتاب «دست‌نوشته‌ها» در سه دسته دین و عرفان و حکمت تقسیم بندی شده است. مطالب زیرمجموعه این عناوین بیشتر چه مطالبی بودند و آیا این مطالب در دیگر آثار علامه آمده یا علامه در اینجا مطالب خاصی می‌گفتند؟ ما مباحث کتاب را در بخش‌های خاصی ساماندهی کردیم اما واقعیت این است که مباحث بسیار متنوعی در این جلسات مطرح می‌شد و در ابتدای کار این نوع بخش بندی در ذهن ما نبود. ما ابتدا مطالب را در موضوعات بسیار متنوعی دسته بندی کردیم سپس موضوعات مشابه کنار یکدیگر آمدند و این بخش‌هایی را که در کتاب مشاهده می‌کنید شکل گرفت. یک سری از مباحث به عنوان مباحث متفرقه بوده که در خلال کتاب ضمیمه شده است و ما برای آنها جایی را در کتاب در نظر نگرفتیم اما مجموعاً در سیر بحث بود که این دسته بندی برای ما پیدا شد که دسته بندی خوبی برای مباحث کتاب است و می‌تواند جامع تمام افکار مرحوم علامه باشد.

ایکنا _ آیا می‌توانید عصاره نگاه و منش علامه طباطبایی در دین و عرفان و حکمت را بیان کنید؟ مرحوم علامه بسیار انسان دقیق و پر اطلاعاتی از حوزه‌های مختلف بودند و مطالعات بسیاری در عرصه‌های گوناگون داشتند اما یک ویژگی اساسی داشتند که تفکر بود و حوزه‌های مختلف مطالعه و معلومات مختلف علامه یا تفکر به یکدیگر پیوند خوردند و مایه تفکری علامه است که این مواد مختلف در حوزه‌های گوناگون را به یکدیگر مربوط و مرتبط می‌کند.

علامه طباطبایی درباره قرآن مجید مطلبی دارند که می‌فرمایند «تمام قرآن تجلی و حضور حقیقت توحید در حوزه‌های گوناگون و عرصه‌های مختلف است؛ اگرچه ما وقتی با قرآن مواجه می‌شویم مسائل بسیار متنوعی می‌بینیم مانند مسائل فردی، اجتماعی، سیاسی، نظامی در حوزه‌های مختلف معارف فقهی، اخلاقی، فلسفی، عرفانی و هستی‌شناسانه و در امور مختلف تاریخی می‌بینیم که قرآن گفت‌وگو کرده است اما جامع تمام نکاتی که در این کتاب آمده است همان حقیقت توحید است که در عرصه‌های مختلف هستی خود را نشان داده است. گویی با این کار قرآن این را به ما نشان داد که در هستی چیزی جز توحید جاری و ساری نشده است و فقط توحید در چهره‌های مختلف و تجلیات گوناگون است.»

این نگاه علامه به قرآن ایده و الگویی برای سراسر معارف و حیات طیبیه مرحوم علامه است یعنی چه علوم و معارفی که ایشان به آن پرداخته است چه حیات و زندگی ایشان که عرصه‌های مختلف داشته است؛ همگی با همین نکته که توحید خالص در آنها جاری و ساری است و نمایانگر حق تبارک و تعالی است به هم پیوند خوردند؛ از همین روی این کتاب و تمام آثار علامه به همین صورت به یکدیگر می‌پیوندند.

نکته دیگر این است که مباحثی در این کتاب آمده است تقریباً در آثار دیگر ایشان به صورت مختصرتر یا مفصل‌تر تکرار شده یا مطالبی مناسب آنها ذکر شده است. کاری که در این کتاب انجام شده این است که تمام آثار مرحوم علامه با دقت و وسواس بسیاری تفحص شده است و آنچه از کلمات و فرمایشات مرحوم علامه در دیگر آثار مربوط به مباحث این کتاب بوده است یا در پاورقی به آنها اشاره یا اینکه مطلب به صورت خلاصه و چکیده در پاورقی ذکر شده است؛ از این جهت کتاب «دست‌نوشته‌ها» در رابطه با موضوعی که در آن ذکر می‌شود تقریباً می‌تواند بیان‌کننده نگاه جامع علامه در تمام آثارش باشد.

ایکنا _ به نظر شما اندیشه علامه طباطبایی چه ویژگی دارد که هر چه جلوتر می رویم اصالت آن و نیازمندی به آن اندیشه در ابعاد مختلف بیشتر احساس می شود؟

ویژگی اساسی که علامه طباطبایی دارند این بود که به حقیقت احترام می گذارند و پروای حقیقت دارند. ایشان دغدغه مواجهه با حقیقت را داشتند و به چیزی که حقیقت نباشد ولو با اسم های بسیار مقدس تزیین شده باشند دل نمی بندد و با آن سیراب نمی شود. این ویژگی باعث شده است در هر حوزه و عرصه ای که مرحوم علامه به مطالعه و تفکر پردازد در آنجا مشتاق کشف حقیقت باشند و به دنبال انکشاف حقیقت در آن عرصه باشند.

این ویژگی در مرحوم علامه باعث شده است که ایشان به اصطلاحات و الفاظ رایج در بخش های مختلف علوم مشغول نشوند و عمر خود را در مسیر مباحث منقول از دیگران نگذرانند و به حفظ آرای دیگران نپردازند بلکه خود به فهم حقیقت ولو از طریق مطالعه آرای دیگران برسد و دست یابد. دغدغه مندی علامه نسبت به حقیقت باعث می شود اندیشه ایشان ماندگار شود؛ زیرا حقیقت یک کل منسجم است و هیچ حقیقتی از حقیقت گسسته و جدا نیست و حقیقت یکپارچه است.

این ویژگی باعث می شود آن حقیقتی که علامه در حوزه های مختلف اندیشه خود به آن دست یافته است روز به روز با مباحث و اندیشه های مطرح شده و نیازهایی که بشر در واقع و حقیقت دارد ارتباطش را بیشتر کند. این ارتباط در حقیقت همان ارتباطی است که هر حقیقتی با حقیقت و حقایق هستی دارد. این ارتباط در هستی جاری و ساری است و از سنخ واقعیات عالم بوده و ارتباطی است که موجب می شود اندیشه علامه با وضعیت زندگی ما و نیازهای واقعی بشر پیوند پیدا کند و به عبارت دیگر مرحوم علامه طباطبایی اندیشمندی است که به فطرت بسیار اهمیت می دهد. فطرت همان حقیقت و سرشت انسان است که انسان را انسان می کند و بر اساس آن، نیازهای انسان و اقتضائات حیاتی او شکل پیدا می کند.

توجه مرحوم علامه به فطرت و آنچه که از فطرت برمی آید باعث می شود که اندیشه ایشان همواره با جان انسان و نیازهای حقیقی او مرتبط شود و هیچگاه رنگ کهنگی بر آن ننشیند. این ویژگی هم مانند ویژگی توحیدی بودن اندیشه علامه چیزی است که ایشان از قرآن کریم فرا گرفتند؛ همان گونه که در کتاب شریف قرآن، فطری بودن قرآن و دین، عامل ماندگار و ابدی بودن دین است؛ زیرا انسان هیچ گاه فطرت خود را از دست نمی دهد گرچه فطرتش پوشیده می شود ولی پامال نمی شود. همین ویژگی از کتاب شریف الهی به مرحوم علامه و در نتیجه به آثار ایشان انتقال پیدا کرد و دیدگاه های مختلف علامه را زنده، تازه، جاری و ساری نگه می دارد.

ایکنا _ سرنوشت باقی دست نوشته ها چه شد و آیا صوت یا فیلمی از این جلسات هست؟
طبق بعضی از نقل ها بعضاً جلسات ضبط هم می شده است اما به دلیل تحولاتی که برای آثار آقای دکتر نصر اتفاق افتاده است احتمالاً قسمت هایی که ضبط شده است از بین رفته است. همانطور که عرض کردم افراد دیگری مانند آقای دینانی و دکتر نصر هم نوشته هایی از جلسات داشته اند که به دست ما نرسید یا به نظر خودشان از بین رفته اند و دیگر غیرقابل دسترس شده اند.

بخش های دیگری از این دست نوشته ها هم متأسفانه به سرنوشت مشابهی مواجه شده است؛ یعنی بعضاً برخی از افراد آنها را به امانت گرفته اند و هنگامی که پس داده اند مقداری از دست نوشته ها منتقل نشده است و یا هنگام نقل و انتقالات از سوی آقای ذوالمجد به برخی مؤسسات، هنگام پس گرفتن آنها، قسمت قابل توجهی از بین رفته است.
ایکنا _ سخن پایانی.

فراهم آمدن این کتاب را باید بیش از همه در میان افراد معمولی بشر، حاصل اشتیاق، اهتمام و علاقه فرد آقای ذوالمجد بدانم که ایشان یک انسان فرهنگ دوست و علاقه مند به معارف بوده اند که این فرهنگ دوستی، علم جویی و فضیلت مداری که در این انسان شریف بود سبب ارتباط بلندمدت او با علامه طباطبایی و برقراری جلسات و علاوه بر این دو، اهتمام به نوشتن و ثبت و ضبط این جلسات شده است.

وقتی چنین ویژگی را در این فرد می بینیم که اینگونه نتیجه مهمی را برای ما به یادگار گذاشته و باعث شده است که این کتاب که نمونه و نمایان کننده ای بخشی از آن است؛ واقعا بای دایشان را تحسین کنیم. این اتفاق در تاریخ ما یک رخداد نادر و اساسی است که اندیشمندی به بزرگی علامه طباطبایی در جمع دیگر اندیشمندان زمان خود، حاضر می شوند و با آنها به گفت و گو می پردازند و این مجموعه آن مباحث جلسات را نمایان کرده است. آن چیزی را که باید قدر بدانیم وجود افرادی مانند آقای ذوالمجد است؛ باید زمینه سازی کنیم تا این افراد در جامعه زیاد شوند.